

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من ميباد      بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهم      از آن به که کشور به دشمن دهم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن - المان

17 اکتوبر 2011

## گذر هائی در فیس بک

( گذر هفتم )



یکی از همان "دیوهای درون چاه"

محترم داکتر صاحب نادر برهانی نوشته اند:

## Nader Borhani

برادران نهایت گرامی و عالیقدر محترم مختار زاده صاحب عزیز ، بزرگوار افضلی صاحب و محترم آروین صاحب عزیز را سلام ها و دروهای بیپایانم تقدیم باد !  
به ادامه سروده "لبخند ملیح" و نبشته ( به تعقیب گذرهای در فیسبوک)، منتشره در سایت "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان":

قسمیکه میدانید بنابر تقاضاء و سؤال طنز آمیز دوست محترم افضلی صاحب، سروده بزرگوار مختارزاده صاحب را (تعریف) و ((تحریف)) نمودم (از زاویه طنز و شوخی).  
قسمیکه میگویند "گرمی را گرمی دواست"، آنهم در بین دوستان چیز فهم، روی همین ملحوظ تصمیم گرفتم که با استفاده از احساس طبیعی طنز و شوخی، متقابلاً به پاسخ دوستم پردازم، البته به مثابه استنباط سخنانم، دوستان میتوانند یکبار دیگر به نقطه گذاری هایم در آن پاسخ توجه نمایند ، چون همه مبین طنز و شوخی میباشد (عاقلان دانا اند).  
بنابر درک و فهم نادرست طنز از طرف بعضی دوستان، خواستم تا جهت روشنائی مزید ایشان با استفاده از طنز و شوخی مکرر، گوشزد نمایم... که این همه تحریف و تعریف کوتاهی بود .. نه چیزی بیش از آن ( مختص بدوستانی که قدرت، توانائی، برداشت و بزرگی گذشت آنرا داشتند) .

حال دوستان نهایت گرامیم، قبل از آنکه بنده بزعم خود به روشنگری اذهان بعضی از دوستان پردازم ، از شما بزرگان خواستم بپرسم که :

اولاً:

هرگاه مردان دانا(نقطه نقطه نقطه) هنوز هم این همه طنز و شوخی های دوستان خود را به شکلی هیولا، آن هم در بین چاهی (نقطه نقطه) نزد خود متجسم بسازند، پس بکدام زبان و ادبیات شما میتوانید این مردان دانا را مدلل بسازید؟  
فکر میکنید که این یک عکس العمل نورمال است؟؟

ثانیاً: هرگاه اظهار نمایم که تحلیل و تفسیر نمودن آثار نویسندگان، کار آسانی نیست ( آنهم بطور عمومی)، آیا این ادعا دلالت بر فقدان سواد کافی، علمیت و جهانبینی محدود نمیشد؟  
پاسخ بنده:

بیدریغ که دلالت مینماید! و اما پاسخ دوستان؟

ثالثاً: آرزو و توقع این کمترین این میباشد که :

خداوند به دانائی مرادان دانا بیفزاید، و آنها را از گزند دیو و پری ها در امان داشته باشد (خواب آرام داشته باشند ... )، تا بتوانند در ردیف دوستان خویش، با آرامش خاطر ... به تحلیل و تفسیر علمی، منطقی، با یک جهان بینی وسیع و حوصله مندئ پایدار مسائل اجتماعی ، سیاسی و حتی آیات قرآن مجید را، بدون ترس و بیم تحلیل و تفسیر نمایند (اگر ظرفیت، علمیت و توانمندیش را داشته باشند) ، بدون اینکه از ترجمه و تحلیل حتی اشعار شعراء (آنهم بطور عمومی ...) و یا از آثار نویسندگان(نقطه نقطه) هیولا و قوربقه ترتیب نمایند، هکذا بدیگران نیز غافلانه فتوا، نصیحت و توصیه نمایند، من حیث یک باشند و موجود قرن بیستم... ، عجیب است؟ پس کاسه چینی که صدا میکند، خود صفت خویش ادا میکند.

خداوند و خرد یار و مدد گار مرد دانا باد... آمین یا رَبَّ الْعَالَمین!!!!!!

## سزای قروت، آب گرم

دیدى نگفته بودم ، اشعارِ نابِ ما را  
یابد هر آنکه خواند ، خود را و هم دیگر را  
جولانگرِ تفاخر ، کاریده بس تشاُجر  
زائیده از تنافر ، هم کینه و شقار را  
در هر گذر به تعقیب ، از بهرِ خود ستائی  
تغلیط و گاهی تفریط ، فحوای التوار را  
تعذیب و گاهی ترحیب ، ترکیب و گاهی تخریب  
ترهیب و گاهی تعیب ، مردان باحیا را  
کو؟ پاسِ آشنائی ، بی ریب و بی ریائی  
یکرنگی و صفائی ، بیهوده اِشتکارا  
پسکوچه های فیس بُک ، از شعرِ ما چراغان  
آئینه وار کرده ، خرق همه غطارا  
دیو سیاه و ابلق ، در حالتِ تشاُجر  
از بهرِ حسنِ معشوقِ جَولانده عقده ها را  
غورباغه و پیری را معشوقِ خود گرفته  
داده به دستِ مُفتی ، شیرازه قضا را  
عفریتة نمایش ، کر کرده گوشِ دانش  
لاف و پتاقِ سازش ، خوراکِ بیحیا را  
این آبِ گرمِ منظوم ، باشد سزای نقطه  
یعنی ( قروتِ سنگک ) ، شد چکه مدعارا

"نعمت"! هدف قروت است، نه دوغ و ماست و چکه  
دیو و ، پری و ، بقه ، سوزانده اشتهارا  
ای دوستان! بیائید این قصه را ، ببندیم  
کین شیوه می نیرزد ، هم ما و هم شمارا  
وقت گران خود را ، سازیم صرف میهن  
دور از برش نمائیم ، هر درد و هر بلارا



ای دوستان! بیائید این قصه را ، ببندیم  
کین شیوه می نیرزد ، هم ما و هم شمارا  
وقت گران خود را ، سازیم صرف میهن  
دور از برش نمائیم ، هر درد و هر بلارا